

چشم اندازها و چالش‌های قدرت نرم هند در پرتو دموکراسی و توسعه اقتصادی

خسرو دهقانی^۱
محمدعلی بصیری^{۲*}
عنایت‌الله یزدانی^۳

DOI:10.22034/ir.2021.127351

۷

چکیده

اهمیت قدرت نرم به عنوان مکمل اجتناب ناپذیر قدرت سخت در دهه‌های اخیر مورد توجه دولت‌ها و به ویژه قدرت‌های بزرگ و نوظهور قرار گرفته است. هند در میان قدرت‌های نوظهور با برخورداری از ارزش‌های سیاسی منحصر به فرد نظیر میراث معنوی ماهاتما گاندی، جامعه مدنی نسبتاً پویا، بهره‌مندی از عنوان بزرگترین دموکراسی دنیا، توسعه سریع اقتصادی و تنوع عظیم فرهنگی تمایز ویژه‌ای دارد. علی‌رغم بهره‌مندی هند از این منابع، در حال حاضر چین با وجود عدم برخورداری از یک نظام دموکراتیک، جدی‌ترین الگوی جایگزین برای مدل توسعه غرب محسوب می‌شود. با مرور گزاره‌های فوق این سؤال مطرح می‌شود که هند با چه تنگناها و مشکلاتی در بهره‌برداری حداکثری از منابع قدرت نرم خود روبرو بوده است؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه مقاله بر این مبنا استوار است که هند با تاخیر بیشتری نسبت به رقبای خود متوجه قدرت نرم گردیده و در همین راستا چالش‌هایی نظیر ضعف حکمرانی خوب، ناکارآمدی نسبی دولت در ارائه خدمات عمومی، فقر، فساد و کمبود زیرساخت‌های اولیه مانع از تبلور حداکثری قدرت نرم هند گردیده است. روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و از ابزار کتابخانه‌ای، اسنادی و منابع اینترنتی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

واژگان کلیدی: هند، قدرت نرم، دموکراسی، توسعه اقتصادی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

* basiri@ase.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهارم، صص ۳۴-۷



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره یازدهم، شماره

اول، شماره پیاپی

چهارم، بهار ۱۴۰۰

مقدمه

هند به عنوان یکی از تمدن‌های کهن دنیا همواره فرهنگ، آداب، مذاهب و سنن آن مورد توجه جهانیان بوده است. آنچه در دوره معاصر دیدگاه اندیشمندان و صاحب نظران را به خود جلب نمود، استقلال هند از بریتانیا در پرتو مبارزات غیر خشونت آمیز به رهبری ماهاتما گاندی و سپس استقرار یک دموکراسی پویا در سرزمینی بود که علاوه بر درگیر بودن با فقر گسترده، سرشار از تنوع فرهنگی، زبانی و قومی بوده است. آنچه در اواخر قرن بیستم مجدداً نگاه‌ها را به هند معطوف نمود، خیزش اقتصادی این کشور می‌باشد. هند که تا فروپاشی شوروی با اتخاذ اخلاق گرایی و جهان سوم گرایی، سیاست اقتصادی نسبتاً متمرکزی را دنبال می‌کرد، به تدریج تلاش نمود با اصلاح ساختارهای اقتصادی، با روند جهانی شدن اقتصاد بیشتر همگام شود و همزمان با اعمال سیاست‌های تعدیل اقتصادی و بازار آزاد، روند ادغام در نظام جهانی را به آرمی طی نماید. آنچه انگیزه هند را در توسعه اقتصادی مضاعف می‌نمود، قدرت گرفتن شگفت آور چین در عرصه‌های اقتصادی پس از انجام اصلاحات اواخر دهه ۱۹۷۰ بود که متعاقب آن سرمایه گذاری هنگفتی نیز در قدرت نرم خود انجام داد.

تبدیل شدن هند به اقتصاد پنجم دنیا باعث گردید هند با تاخیر نسبت به رقبای خود از جمله چین، متوجه نیاز به ارتقای قدرت نرم خود گردد. برخورداری از صفت بزرگترین دموکراسی دنیا به همراه وجود منابع غنی فرهنگی و تمدنی، پشتوانه عظیمی برای قدرت نرم هند فراهم آورده است. از میان ارزش‌های سیاسی و اجتماعی جذاب هند، گاندی به عنوان پایه گذار مبارزات بدون خشونت، بسیاری از جنبش‌های سیاسی و مدنی را در سراسر دنیا متأثر نموده و به یکی از منابع با اهمیت قدرت نرم هند تبدیل شده است. نظام سیاسی چند حزبی، فدرالیسم و به خصوص حفظ و استمرار دموکراسی در جامعه قبیله‌ای، کاستی، چند فرهنگی و چند زبانی، باعث شده است تا هند به یک نسخه منحصر به فرد به لحاظ قابلیت‌ها و منابع قدرت نرم به حساب آید. به علاوه منابع فرهنگی هند نظیر بالیوود، یوگا و برخی مکاتب مذهبی و عرفانی آن شهرت جهانی دارند.

اگرچه جامعه چند صدایی و متکثر هند با برخورداری از نظام سیاسی دموکراسی و استقلال نسبی واحدهای محلی در قیاس با نظام‌های غیر دموکراتیک نظیر چین متمایز

می‌باشد، ولی هند به دلایل تاریخی و ساختاری با چالش‌های فراوانی نیز برای توسعه قدرت نرم خود مواجه بوده است، به طوری که مدل توسعه چین به واسطه کارآمدی برگزیده‌ی توسعه هند سایه افکنده است. در حال حاضر مساله اصلی برای هند این است که چگونه ارزش‌های سیاسی و مدنی خود را با توسعه اقتصادی گره بزند تا به یک مدل جذاب توسعه تبدیل گردد. به نظر می‌آید هند تا کنون نتوانسته است در قامت بزرگترین دموکراسی دنیا از تمامی ارزش‌های سیاسی خود جهت ارتقای قدرت نرم بهره‌برداری کند. در این نوشتار تلاش می‌گردد ضمن بررسی منابع متعدد قدرت نرم هند، افق‌ها و تنگناهای این قدرت نوظهور نیز در در راستای کسب قدرت نرم مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۱. چارچوب نظری

یکی از مفاهیم مهمی که در دهه‌های اخیر در روابط بین‌الملل مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته، مفهوم قدرت نرم می‌باشد. جوزف نای از نظریه پردازان نولیبرالیسم قدرت را به دو بعد کلی قدرت سخت و قدرت نرم تقسیم می‌کند. نای تمایز قدرت نرم و قدرت سخت را در منابع آنها می‌داند. او قدرت سخت را به قدرت فرماندهی تشبیه می‌کند و قدرت نرم را معادل مشارکت و همکاری می‌داند (Ullah, 2015: 5). به عقیده نای قدرت نرم توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران یا توانایی جذب کردن دیگران است و جذابیت نیز منجر به تصدیق و رضایت دیگری می‌شود (Nye, 2004: 5). نای سه روش برای کسب قدرت نام می‌برد: اجبار (چماق)؛ پرداخت پول (هویج) و جذابیت (قدرت نرم) (Nye, 2006). به نظر نای قدرت نرم متفاوت از نفوذ است؛ زیرا نفوذ می‌تواند بر پایه قدرت سخت استوار باشد. حال آنکه قدرت نرم توانایی جذب کردن است که اغلب به رضایت منجر می‌شود (Nye, 2004:6-7). کورلانتریک آفدردت نرم را به دو نوع دسته بندی می‌کند: قدرت نرم بالا که جامعه هدف آن محدود به نخبگان دیگر کشورها است و

1. Joseph S. Nye
2. kurlantzick
3. High Soft Power

قدرت نرم پایین که جامعه هدف آن وسیع و شامل عموم مردم است (Li and Worn, 2009: 11).

طرح نظریه قدرت نرم در واقع تلاش دیگری در جهت مفهوم سازی از قدرت، خارج از کلیشه رایج رئالیستی و مادی گرایانه بود. در قدرت سخت ایده آل راهبردی شامل مداخله نظامی، دیپلماسی اجباری و تحریم های اقتصادی با هدف دستیابی به منافع ملی است که منجر به اتخاذ سیاست مقابله و تخاصم می گردد. در مقابل، استراتژی قدرت نرم برارزش های سیاسی مشترک و ابزارهای صلح آمیز برای مدیریت منازعات و همکاری های اقتصادی برای دستیابی به راه حل های مشترک تاکید دارد (Wagner, 2005: 1-2). در حالی که واقع گرایان به طور سنتی به نفوذ یک کشور با تکیه بر منابع ملموس و اجباری قدرت (تهدید و زور) تاکید می ورزند، نای بر منابع غیرمحمسوس تاکید دارد. به نظر نای ارائه تصویر مثبت در جهان است که می تواند ملتی را به ملل دیگر در نظم جهانی تحمیل کند. به عقیده نای تصویر مثبت از سیاست های داخلی و خارجی باعث ایجاد احترام و تحسین می شود، که این به نوبه خود یک کشور را در انظار دیگر ملت ها برجسته تر می سازد (Gallorotti, 2011:9). نای از سه عامل به عنوان منابع مولد قدرت نرم نام می برد که عبارتند از: فرهنگ، ارزش های سیاسی و سیاست خارجی (نای، ۱۳۸۹: ۵۱). به نظر نای از میان دولت و جامعه مدنی، منشأ اصلی تولید قدرت نرم جامعه مدنی و بازیگران غیر دولتی هستند و نه دولت ها. بنا براین دولت ها باید برای تولید قدرت نرم استعداد های جامعه مدنی خود را آزاد کنند (Nye, 2013).

در این مقاله تلاش می گردد با بهره گیری از نظریه قدرت نرم، نقش ارزشهای سیاسی، منابع فرهنگی و قدرت نرم اقتصادی در راستای پاسخ به سوال اصلی مقاله مورد بررسی قرار گیرد.

۲. ارزشهای سیاسی

جوزف نای یکی از منابع مهم قدرت نرم را ارزش های سیاسی و سیاست خارجی قلمداد می کند. به نظر نای ارزش های سیاسی هنگامی قدرت نرم محسوب می شود که با

ارزش‌های اجتماعی و روح سیاست خارجی مطابقت داشته باشد و سیاست خارجی نیز زمانی قدرت نرم تلقی می‌شود که مشروع و اخلاقی انگاشته شود (دلیرپور، ۱۳۹۱: ۴۸). نای استدلال می‌کند که دو عامل باعث جذابیت‌های سیاسی می‌شوند. اول، دولت باید واجد آن دسته از ارزش‌های سیاسی باشد که منعکس‌کننده ارزش‌های جهانی باشد. دوم، دولت باید سیاست خارجی خود را بر اساس این ارزش‌های جهانی هدایت کند. آن دسته از کشورهایی که قادر باشند هر دو این معیارها را برآورده کنند، منابع قدرت نرم زیادتری در اختیار خواهند داشت (Nye, 2004:11). به طور کلی ارزش‌های سیاسی هند را می‌توان به میراث معنوی ماهاتما گاندی و دموکراسی هندی تقسیم بندی کرد.

۱۱

۱-۲. میراث گاندی و قدرت نرم

جامعه هند با نام گاندی و جایگاه و نقش او در استقلال و جنبش سیاسی و مدنی هند گره خورده است. گاندی به عنوان یکی از مهمترین شخصیت‌های مورد الهام جهانیان، از منابع قدرت نرم هند محسوب می‌شود. گاندی نه تنها بر جامعه هند تاثیر گذاشت، بلکه تاثیر او بر به خصوص جنبش‌های مدنی و سیاسی در تمام نقاط جهان غیر قابل انکار است.

گاندی به طور صریح مخالف تقلید جامعه هند از نظام‌های سیاسی غالب بود. گاندی تاکید داشت: " اگر هند بخواهد از نظام انگلستان شبیه سازی کند، به زوال خواهد رفت و شرایط آن از وضعیت حیوانات بدتر خواهد شد". هر چند جنبه‌های خاصی از نظریه مارکسیسم از نظر گاندی قابل قبول بودند، ولی او کمونیسم را نیز به روشی مشابه محکوم می‌کرد. گاندی از ایجاد وضعیتی که به موجب آن این مرام به دیگران تحمیل می‌شد، نفرت داشت و همچنین اشاعه خشونت و الحاد را نیز توسط هواداران این مکتب رد می‌کرد (Friedman, 2008: 59).

جامعه مدنی هند قدرت و به خصوص سنت داوطلبانه خود را از گاندی وام گرفته است. مبارزه او با معضلات اجتماعی بر اساس فضیلت‌های مدنی، پایه‌های اخلاقی جامعه مدنی را در هند رقم زد. درک وی در مورد جامعه مدنی کاملاً متفاوت از مفهوم غربی آن است؛ زیرا او همواره منتقد مدرنیته غربی باقی ماند. ادراک گاندی در مورد جامعه مدنی مبتنی بر زندگی، آزادگی و خشونت پرهیزی بود (Pathak, 2008: 269). میراث



استقلال و جنبش آزادی بخش در هند و رهبری آن توسط گاندی به عنوان کشوری که به صورت مسالمت آمیز به استقلال خود رسید، یکی از ابزارهای مهم در سیاست خارجی برای افزایش قدرت نرم هند تلقی می‌شود و این قدرت نرم باعث استحکام سیاست خارجی هند از آن زمان شده است (آقایی و حسینی، ۱۳۹۱:۲۱۳).

یکی از وجوه مهم گاندی در دوران جدید این است که الهام از منش گاندی در جنبش‌های مدنی حتی پس از او نیز پیگیری و دنبال شده است. گاندی مبنای مقاومت خود را «ساتیاگراها» اقرار داد که به معنای پایداری در راه حقیقت و «آهیما» یعنی اقدام اعتراضی غیر خشونت آمیز است (مجاهدی، ۱۳۸۶:۱۱). امروزه هندی‌ها و معترضین ضد جنگ، از گاندی به عنوان چهره الهام بخش یاد می‌کنند. گاندی الهام بخش سه حرکت مدنی و سیاسی با اهمیت شامل: مبارزات ضد استعماری؛ انتقاد نسبت به تمدن غربی و مبارزات ضد جهانی سازی بوده است. ضمن اینکه نباید از این واقعیت مهم نیز غافل شد که در حال حاضر ما شاهد یک وضعیت «صلح آشفته» نه تنها به دلیل جنگ و نزاع‌های قومی، بلکه به دلایل شیوع گرسنگی، فقر، توسعه ناپایدار و توزیع نابرابر ثروت هستیم. با توجه به اینکه گاندی در حال تبدیل شدن به مسیح اجتماعی است، شیوه او مطمئناً پاسخی برای صلح و توسعه جهانی محسوب شده است (MGPE, 2018:182). اقدامات گاندی همچنین الهام بخش جنبش‌های بعدی حقوق بشری از جمله حقوق مدنی مارتین لوتر کینگ در ایالات متحده و جنبش ضد تبعیض نژادی نلسون ماندلا در آفریقای جنوبی بوده است (Whipps, 2008).

آنچه در حال حاضر تحت عنوان «جامعه مدنی گاندی‌ها» خوانده می‌شود، تنها در جنبش صلح یا محیط زیست نمود ندارد، بلکه در جنبش ضد جهانی سازی نیز برجسته می‌باشد. به عنوان نمونه یکی از جنبش‌هایی که به شدت از اصول گاندی پیروی می‌کند، «جنبش چیپکو»^۳ است. نگرانی اصلی این جنبش مدنی، معضلات محیط زیست و اعتراض به جنگل زدایی در شمال هند بوده است. ابتکار «در آغوش گرفتن درختان» در طبیعت را می‌توان به عنوان حرکت نئوگاندی یا پساگاندی تفسیر کرد. چنین تاکتیک‌هایی پس از

1. Satyagraha
2. Gandhian Civil Society
3. Chipco Movement

گانندی در جنبش‌های مدنی که به طور آشکار از دهه ۱۹۸۰ به صحنه سیاسی باز می‌گشتند، به نوعی اعلام بیعت با اصول و مرام گانندی محسوب می‌شود. انتقاد به جهان غرب از جمله سرمایه داری غربی به دلیل ویژگی هژمونیک و همچنین اعتراض به جهانی شدن، مسخ فرهنگی و هویتی گروه‌های اجتماعی در جهان و بازسازی روابط اجتماعی بر پایه صلح و مدارا نیز تا حد زیادی متأثر از میراث گانندی است (MGPE, 2019:176). گانندی جنبش عدم خشونت را برای رسیدن به استقلال آغاز کرد و پس از گانندی نهر و نیز این استراتژی را در قالب جنبش عدم تعهد و سیاست‌های اخلاق گرایانه در سیاست خارجی تثبیت کرد. اکنون این روش‌های غیر خشونت آمیز به توسعه منطقه‌ای و صلح در شبه قاره منجر شده است (Wijayabahu, 2014:7).

آنچه قدرت نرم هند را از دموکراسی‌های غربی متمایز می‌کند، به مبارزه غیر خشونت آمیز مهاتما گانندی برمی‌گردد. درست است که جنبش آزادی و رهایی گانندی مبتنی بر یک تعهد اخلاقی بود؛ اما نه به این دلیل که گانندی برای آزادی و کرامت انسانی مبارزه کرد، بلکه به این دلیل که گانندی از «عشق و خوداتکایی» (ساتیگراها) به عنوان یک سلاح اخلاقی برای تحقق بخشیدن به حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بهره برداری نمود. گانندی همچنین با تأثیر بر شیوه نهروئیسم، ثابت کرد که به دست آوردن آزادی از طریق روش‌های صلح آمیز نیز ممکن است و زور فیزیکی لزوماً نباید داور و قاضی سرنوشت انسان‌ها باشد (Misra, 2016:1). میراث جهانشمول گانندی برای هند به رغم نظریه قدرت نرم نای که مطابق با ارزش‌های لیبرالیسم غربی پایه گذاری شده است، در بسیاری موارد منطبق با ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب نبوده است. گانندی بر خلاف اصول لیبرالیسم، سیاست را از اخلاق جدا نمی‌دانست. اگرچه اصرار گانندی بر تعهد اخلاقی و انتقاد او از دموکراسی‌های غربی باعث می‌شود تا او به طور کلی در زمره رهبران لیبرال دموکراسی قرار نگیرد، ولی در عین حال میراث او برای هند مشحون از قدرت نرم بین‌المللی بوده است.

در کنار میراث معنوی گانندی، دموکراسی منحصر به فرد هند از مهمترین دارایی هند در قدرت نرم محسوب می‌شود. قبل از پرداختن به این موضوع، اشاره مختصری به نظام حزبی و احزاب سیاسی هند می‌شود.

۲-۲. نظام حزبی و احزاب سیاسی در هند

نظام حزبی هند از زمان استقلال از یک نظام شبه حزب واحد به نظام شبه دوحزبی و سپس چند حزبی تبدیل شده است. این دگرگونی منجر به تغییر قابل ملاحظه‌ای در صحنه سیاسی هند شد که در فرآیند توازن قدرت شکل گرفته است. به طور کلی مراحل تکوین نظام حزبی هند به صورت زیر بوده است:

مرحله اول، (۱۹۵۲-۱۹۶۷): که در آن حزب کنگره به دلیل مشروعیت بالا در مبارزه برای استقلال، به حزب بلامنازع و غالب هند تبدیل شد. در این مرحله به واسطه سیطره کامل حزب کنگره، نظام حزبی هند را «نظام کنگره» می‌نامیدند، از آنجا که حزب کنگره نظام سیاسی هند را پیوسته هدایت می‌کرد، انتخابات به طور جدی رقابتی نبود و در واقع رقابت اصلی بیشتر میان جناح‌ها و اجزای داخلی درون خود حزب بود (Agnieszka, 2016:161). در ابتدا به جز حزب کنگره هیچ حزب دیگری در افق سیاسی هند قابل مشاهده نبودند؛ زیرا اکثر آنها محکوم به فنا بودند یا توسط حزب کنگره به حاشیه رانده می‌شدند (Rimaneli, 1999:359-360).

مرحله دوم (۱۹۶۷-۱۹۸۹): این مرحله پایان سیطره کنگره و پایان یک «نظام انتخاباتی عمودی» و آغاز شکسته شدن سیطره حزب کنگره در گستره ملی و جغرافیایی هند است. مرحله سوم (۱۹۸۹-۲۰۰۴): در این دوره با ظهور حزب «بهاراتیا جانتا» (حزب ملی گرای هندو) به سیطره حزب کنگره پایان داده شد، برای رای دهندگان حق انتخاب بیشتری بوجود آمد و نوعی نظام شبه دوحزبی شکل گرفت.

مرحله چهارم (از سال ۲۰۰۴ تا کنون): در این دوره نظام چند حزبی شکل گرفت؛ زیرا به واسطه افزایش چشمگیر احزاب منطقه‌ای چه به لحاظ تعداد و چه به لحاظ قدرت، نیاز به ائتلاف سازی‌ها بیشتر شد و سهم آرای احزاب منطقه‌ای از ۲۵ درصد به ۴۶ درصد افزایش یافت (Agnieszka, 2016:161).

هند در آرای بیشترین تعداد حزب در نظام‌های حزبی دنیا می‌باشد. براساس آخرین آمار اعلام شده توسط کمیسیون انتخابات هند، تا ماه مارس ۲۰۱۹ تعداد ۲۲۹۳ حزب سیاسی در هند ثبت شده اند (The Economic Times, 2019). از ویژگی‌های مهم تحزب در هند رشد فزاینده احزاب منطقه‌ای و محلی در این کشور است. یکی از دلایل رشد روز

افزون احزاب منطقه‌ای، به چالش کشیدن احزاب ملی است. آنها از بی توجهی احزاب ملی به منافع سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای شکایت دارند (Misra,2016).

کمیسیون انتخابات هند یک نهاد مستقل است که وظیفه ثبت احزاب و اختیار کامل تشخیص شرایط برگزاری و نظارت کامل بر برگزاری انتخابات را دارد. قوه مقننه هند نیز دربرگیرنده دو مجلس با نامهای «لوک سبها» (مجلس عوام) و «راجیاسابا» (مجلس سنا) است. نمایندگان راجیاسابا در مجموع ۲۵۰ نفرند که ۱۲ تن را رئیس جمهور و بقیه را نمایندگان مجالس ایالتی برمی‌گزینند. به طور کلی مشخصه نظام سیاسی هند را می‌توان اینگونه خلاصه کرد: هندی شدن نظام سیاسی با وجود تقلید از نظام سیاسی انگلستان، تلفیق تمرکز گرای و عدم تمرکزگرایی، بروکراسی قدرتمند، نقش و نفوذ نظام کاست، سکولاریسم سیاسی، اهمیت شخصی رهبران علی‌رغم توسعه احزاب و نهادهای مدنی و منطقه‌گرایی در برابر دولت ملی (Shubhangi,2019:1-3).

۱۵



چشم اندازه‌ها و
چالش‌های قدرت
نرم هند در پرتو
دموکراسی و توسعه
اقتصادی

جدول شماره ۱. مهمترین احزاب ملی هند			
ردیف	نام حزب	علامت اختصاری	سال تاسیس
۱	کنگره ملی هند	INC	۱۸۸۵
۲	حزب بهاراتیا جاناتا	BJP	۱۹۸۰
۳	حزب کمونیست هند (مارکسیست)	CPI-M	۱۹۶۴
۴	حزب بهوجان سماج	BSP	۱۹۸۴
۵	حزب کنگره ملی گرا	NCP	۱۹۹۹
۶	حزب کنگره ترینامول	TMC	۱۹۹۸
۷	حزب کمونیست هند	CPI	۱۹۲۵
۸	حزب مردم هند	NPP	۲۰۱۳

(Election Commission of India,2019:1)

1. Lok Sabha
2. Rajia Sabha

نظام حزبی و سیاسی هند با وجود ظاهر یک پارچه، یکی از متناقض ترین نظام‌های سیاسی جهان است: به عنوان یک سیستم، به اندازه کافی استحکام دارد تا در برابر انشعابات مداوم مقاومت کند و در عین حال آنقدر منعطف است تا ائتلاف‌های جدید را نیز جذب نماید؛ این نظام در حالی که قابلیت انطباق پذیری زیادی برای تکثر دارد، در عین حال مستعد انحصار کنترل توسط یک خانواده نیز می‌باشد؛ نظام سیاسی هند به اندازه کافی به بلوغ رسیده تا بتواند گردش مسالمت آمیز قدرت در آن جریان داشته باشد و در عین حال به اندازه‌ای خام هم می‌باشد تا هرازگاهی شاهد خشونت‌های خونین باشد. در نهایت نظام سیاسی هند به اندازه کافی کهن (یکی از قدیمی ترین نظام‌های حزبی در جهان) است تا احزاب در آن ماندگار باشند و در عین حال به قدر کافی نیز جوان است که در آن احزاب یک شبه متولد یا محو شوند (Rimaneli, 1999: 359-360).

دموکراسی و نظام حزبی هند با وجود نواقص زیاد، نقاط قوت فراوانی دارد و می‌تواند به قدرت نرم این کشور در حوزه ارزش‌های سیاسی غنا بخشد. دموکراسی هند در عین حال از بسیاری جهات در دنیا منحصر به فرد است. منحصر به فرد بودن آن نه بخاطر این است که هند پرجمعیت ترین کشور دموکراسی دنیا است، بلکه در حقیقت بیشتر به دلیل توان و قابلیت زیاد آن در پذیرش زبان‌ها، فرهنگ‌ها، مذاهب، قبایل و کاست‌های مختلف است (Borkakoti, 2016: 1-3). نکته مثبت دیگر در خصوص تحزب در هند این است که احزاب سیاسی هند در مقایسه با احزاب غرب که روز به روز تعداد اعضایشان کم می‌شود، تمایل مردم به به عضویت در آنها روبه افزایش است. این در حالی است که در دموکراسی‌های غربی مشارکت سیاسی مردم در قالب احزاب با کاهش تدریجی روبرو بوده است. به عنوان نمونه حزب کمونیست (مارکسیست) در هند حدود یک میلیون عضو دارد. حزب کنگره در حدود ۴۰ میلیون و حزب بهارتیا جانتا که در تنها در سال ۱۹۸۰ تاسیس شده، بیش از ۱۰۰ میلیون عضو دارد. البته میانگین عمر عضویت در احزاب هندی کوتاه است، زیرا اعضای حزب و هواداران آنها بسته به تغییرات و نوسانات قدرت، از یک حزب به حزب دیگر می‌روند (suri and et al 2016:2)

۲-۳. دموکراسی هندی و قدرت نرم

سیاست خارجی و ارزش‌های جذاب یک نظام سیاسی اگر نزد دیگران مشروع و موجه جلوه کند، قادر است بر قدرت نرم یک کشور بیفزاید. چنانچه دموکراسی و برخورداری از جامعه مدنی را یک مطلوبیت سیاسی قلمداد کنیم، هند در این زمینه نسبت به به قدرت‌های نوظهور دیگر در جایگاه رفیع تری می‌ایستد. با اینکه هند کشوری پیرامونی، کاستی، چند فرهنگی و چندزبانی بوده است، بزرگترین دموکراسی دنیا را در خود جای داده است و مهم تر از همه نشان داده است که دموکراسی حتی در کشورهای فقیر، کم سواد و در حال توسعه نیز کارایی دارد (Chitalkar and Malone, 2011:85). امروزه اهمیت دموکراسی هند را با وجود همه نارسایی‌ها نباید دست کم گرفت. هند امروز با یک نظام دموکراسی بادوام اداره می‌شود و حداقل درای یک نظام انتخاباتی منسجم است. در حال حاضر در هند انتخابات در سه سطح محلی (پنچایات یا انتخابات شهرداری‌ها)، انتخابات مجلس ایالتی و انتخابات مجلس ملی برگزار می‌شود (Ruud and Heierstad, 2006:15). ساختارهای قدرت سنتی در هند به تدریج و همزمان با تعمیق و تقویت دموکراسی به طور فزاینده‌ای فرو ریخته است، به طوری که طی چند دهه گذشته بیشتر گروه‌ها از جمله کاست‌های حاشیه‌ای و عقب مانده در حیطه سیاست‌های دموکراتیک نهادینه و جذب شده‌اند. علاوه بر آن با افزایش شیوه‌های اداره دموکراتیک، اشکال و سبک‌های جدید رهبری سیاسی به تدریج در سطح محلی، ایالتی و ملی ظاهر شده است (Ruud and Heierstad, 2006:105).

موفقیت دموکراسی هند تحت عنوان بزرگترین دموکراسی دنیا بالاترین ارزش و دارایی هند به لحاظ قدرت نرم محسوب می‌شود. از زمان استقلال، انتخابات آزاد و عادلانه کنگره در هند برگزار شده است، مشارکت زنان در سیاست نیز یکی از ویژگی‌های برجسته قدرت نرم هند است. آزادی نسبی مطبوعات و آزادی ابراز عقیده، ویژگی‌های چشمگیر دیگر است که قادر است به رشد قدرت نرم هند کمک کند (Wijayabahu, 2014:7). جامعه باز، چندصدایی، چند قومی و چند فرهنگی و استقرار یک دولت عرفی، فدرال و دموکراتیک منابع فراوانی برای قدرت نرم دارد. نظام سیاسی هند به عنوان یک نظام روادار «وحدت در عین کثرت» را تجلی بخشیده است. بنابراین هند به عنوان یک الگوی مناسب

برای کشورهای متفرق، تجزیه پذیر و موزاییکی مطرح است. اگرچه هند از زمان استقلال در سال ۱۹۴۷ دموکراتیک بوده است، ولی با پایان رقابت ایدئولوژیکی میان کمونیسم و سرمایه داری و متعاقب آن جایگزین شدن «رقابت میان «دموکراسی و اقتدارگرایی» در اوایل دهه ۱۹۹۰، دموکراسی هند از اعتبار و اهمیت بیشتری برخوردار شد. بر همین اساس بسیاری در غرب امیدوار بودند که هند به یک متحد مهم در کارزار جهانی برای ترویج لیبرال دموکراسی تبدیل شود. اما هند به جای همبستگی کامل با غرب، رویکرد متعادل و مستقل تری انتخاب کرده است (Kugiel, 2012:358).

نظام سیاسی یک کشور نیز می‌تواند منبع قدرت نرم باشد. در مورد هند، جذابیت نظام سیاسی شامل چهار ساختار نهادی است: دموکراسی، سکولاریسم، فدرالیسم و به رسمیت شناختن فرمول سه گانه زبان (هندی، انگلیسی و زبان‌های محلی). هند علی‌رغم برخی مسائل عمیق ناشی از سیستم سلسله مراتب کاست و فساد میان نخبگان سیاسی و با وجود تمام آشفتگی‌ها، دموکراسی خود را حفظ کرده است. این به منزله یک اعجاب برای بسیاری از نظریه پردازان اجتماعی است و برخی از آن تحت عنوان «استثناگرایی هندی» یاد می‌کنند (Paul, 2016:160).

نکته مهم در مورد دیپلماسی هند این است که با وجود برخورداری از صفت بزرگترین دموکراسی دنیا، چرا مانند قدرت‌های لیبرال غربی نظیر ایالات متحده، از دموکراسی به عنوان یک اهرم در سیاست خارجی خود بهره نبرده است؟ برخی از کارشناسان هند دلایل چندی برای آن برمی‌شمرند: اتخاذ سیاست عدم تعهد پس از جنگ جهانی دوم در جریان جنگ سرد باعث شد تا هند از پیوستن به غرب به رهبری آمریکا پرهیز کند و به عنوان یکی از کشورهای بلوک لیبرال دموکراسی به شمار نیاید؛ علاوه بر آن هند بر خلاف قدرت‌های غربی که به صورت سازمان یافته نهادهایی را برای توسعه دموکراسی در خارج تاسیس کرده اند، (مانند آژانس توسعه بین المللی آمریکا یا دپارتمان توسعه بین المللی بریتانیا)^۱، هند فاقد چنین نهاد هایی است؛ به علاوه دولت هند توسعه دموکراسی را یک پروسه می‌داند که باید در داخل کشورها و توسط نیروهای بومی نضج

1. United State Agency for international Development
2. Department for International Development

گیرد (Mazumdar, 2014:3-7). پس از جنگ سرد نیز با اینکه هند از ارزش‌ها و قابلیت‌های دموکراسی خود در روابط خارجی به خصوص در رابطه با شرکای دموکراتیک (ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن) آگاهی دارد، اما نسبتاً تمایلی به صدور مدل خود به کشورهای دیگر نشان نداده است. از این رو به نظر می‌رسد هند ترجیح می‌دهد سیاست حمایت از دموکراسی در کشورهای دیگر را با ارائه مدل مطلوب خود دنبال نماید (Kugiel, 2012:358). هند پس از جنگ سرد با اصلاحات اقتصادی به آرامی به آمریکا و بلوک غرب نزدیک شده و تلاش کرده است تا با ادغام تدریجی در نظام بین‌الملل از حساسیت غرب در خصوص توسعه خود بکاهد. دستاورد این سیاست در مقایسه با کشورهای چین این است که غرب به هند به عنوان یک بازیگر قابل اغماض می‌نگرد؛ چرا که درجه حضور و نفوذ هند را به هیچ وجه مانند چین عمیق و خطرناک نمی‌داند، به علاوه هند در نقاطی مانند آفریقا طوری رفتار می‌کند که غرب علاقه مند است. رفتار چین نیز همانند هند باشد (Cheru and Obi, 2010:49).

۳. منابع فرهنگی، جامعه مدنی و قدرت نرم هند

در کشوری مانند هند با اعمال سیاست عدم تمرکز و بازار آزاد با توجه به آزادی‌های نسبی و بسط حوزه مدنی، فرهنگ به عنوان منبع قدرت نرم اهمیت زیادی دارد. به خصوص اینکه هند در موقعیت ممتاز و ویژه فرهنگی و تاریخی قرار دارد که از این ابزار برای گسترش قدرت نرم خود بهره می‌برد. مزیت هند بر کشورهای چین این است که به دلیل سیطره و انحصار کمتر دولت بر منابع فرهنگی و برخورداری از کثرت فرهنگی و تنوع بنگاه‌های خصوصی تولید محصولات فرهنگی نظیر بالیوود، فرصت‌های زیادی برای ارتقای قدرت نرم در اختیار دارد.

هند در موقعیت ممتاز و ویژه فرهنگی و تاریخی قرار دارد که از این ابزار برای گسترش قدرت نرم خود بهره می‌برد. به باور بسیاری از نظریه پردازان روابط بین‌الملل، فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی، نمونه بارز و اعلا‌ی اعمال قدرت نرم است که به کشورها این امکان و توان را می‌دهد تا در طرف مقابل نفوذ کنند و از طریق عناصری چون فرهنگ، ارزش و ایده‌ها، آنان را ترغیب به همکاری با منافع خود کنند (خانی، ۱۳۸۴:۱۳۷). هند

دارای تنوع و منابع شگفت‌انگیز قدرت نرم است. معنویت‌گرایی، یوگا، فیلم و برنامه‌های تلویزیونی، رقص و موسیقی کلاسیک و محبوب، اصول عدم خشونت، نهادهای دموکراتیک، جامعه کثرت‌گرا و غذاهای آن باعث شده است که مردم در سراسر جهان را جذب نماید. هند در طول یک دهه گذشته، شروع به بازی کردن با کارت قدرت نرم خود به صورت سیستماتیک تری کرده است. در سال ۲۰۰۶ «بخش دیپلماسی عمومی» در وزارت امور خارجه تاسیس و همچنین اقدام به توسعه «شورای روابط فرهنگی هند» در سراسر جهان نموده است (Ramchandra, 2015).

پیوندهای تمدنی و فرهنگی با کشورهای آسیای مرکزی، آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه، گسترش بودیسم از هندوستان تا چین و فراتر از آن، منجر به تبادل پایدار فرهنگی شده است. پیشنهاد هند برای بازسازی دانشگاه بین‌المللی بودایی «نالاندا» با همکاری چین، ژاپن، کره جنوبی و سنگاپور به عنوان استفاده از مشترکات فرهنگی نشانه استفاده هند از قدرت نرم برای توسعه روابط پیرامونی است. هند اخیراً با تسهیل سفرهای زیارتی و حمایت از نوسازی‌های مذهبی، در چین و میانمار کوشش کرده است تا به عنوان سرچشمه بودیسم، در برنامه‌های خود تجدید نظر کند (Jaishankar, 2018).

بالیوود به عنوان بزرگترین رسانه هندی با تولید سالانه بیش از ۱۰۰۰ فیلم است که به مدد تلویزیون ماهواره‌ای و اینترنت، فیلم‌های و سریال‌های تلویزیونی آن مخاطبان جهانی دارد و به طور فزاینده‌ای جهانیان را با فرهنگ هند آشنا می‌کند. غذاهای هندی نیز با ویژگی‌های خاص ادویه جات، در سراسر جهان رواج یافته است. ورزش کریکت منبع مهم دیگر قدرت نرم برای هند است، به طوری که دیپلماسی کریکت اثرات مثبت در کاهش تنش میان هند و پاکستان داشته است (Blarel, 2019: 29-30). یوگا نیز در حال حاضر فراتر از یک ورزش حتی در دوردست‌ترین نقاط جهان محبوبیت روزافزونی دارد. تاریخ ۲۱ ژوئن، از سوی سازمان ملل متحد با حمایت ۱۷۰ کشور در سال ۲۰۱۴ به عنوان روز جهانی یوگا نام گرفت. یک مقام وزارت امور خارجه هند در این زمینه گفت: "این محبوبیت عظیم یوگا در سراسر جهان را منعکس می‌کند، و محبوبیت آن به عنوان یک منبع قدرت نرم است" (Ramchandra, 2015).

به رسمیت شناختن تنوع زبانی و به خصوص زبان انگلیسی نقش مهمی در مبادلات فرهنگی نخبگان و نهادهای فرهنگی و هنری هند با دنیای بیرون داشته است و به عنوان منبع قدرت نرم عمل می‌کند. سیاست رسمی هند تحت عنوان «دو به علاوه یک» (زبان های هندی و انگلیسی، به علاوه زبان‌های محلی) یک راه حل مسالمت آمیز برای همزیستی همه هندی‌ها بوده است (Paul, 2016:160). نخبگان هندی به زبان انگلیسی تکلم می‌کنند، می‌نویسند و آثار خود را منتشر می‌کنند. این مزیت تا حدی اهمیت دارد که امارتیا سن لرنده هندی جایزه نوبل در اقتصاد، با مقایسه این قابلیت هندی‌ها نسبت به چینی‌ها عنوان کرد. "در چین تعداد اندکی می‌توانند به انگلیسی تکلم کنند، چه رسد به اینکه بتوانند به انگلیسی بنویسند" (Lee, 2010:7).

دستگاه دیپلماسی هند با وجود نهادهای غیر دولتی و دیاسپورای گسترده در سراسر دنیا به اندازه چین به توسعه مراکز دولتی و صرف هزینه‌های هنگفت اقدام نکرده است. هند در حال حاضر تنها ۳۷ مرکز فرهنگی در سراسر دنیا دارد. هر چند شورای روابط فرهنگی هند در سال ۱۹۵۰ تأسیس شده بود، ولی تأسیس مراکز فرهنگی در سال ۱۹۹۶ صورت گرفت. اهداف مراکز فرهنگی شامل ارتقای فرهنگ هند و تبادلات فرهنگی ذکر شده است. فعالیت این مراکز عمدتاً شامل برگزاری کلاس‌های منظم موسیقی سنتی هند، انواع رقص های هندی، یوگا، کارگاه‌های آموزشی، دعوت از سخنرانان و هنرمندان و نمایش فیلم است (Indian Cultural Center, 2020). این در حالی است که در حال حاضر چین دارای بیش از ۵۰۰ موسسه کنفوسیوسی در سراسر دنیا برای ترویج زبان و فرهنگ چینی است که تنها بیش از ۸۰ موسسه آن در ایالات متحده مستقر می‌باشد (Digmadarin, 2020).

به نظر می‌رسد دولت هند برای توسعه قدرت نرم از رویکردی منسجم برخوردار نبوده است. در مقابل بخش خصوصی و جامعه مدنی در این زمینه پویاتر عمل است. به این ترتیب می‌توان ادعا کرد که منابع قدرت نرم هند اغلب توسط دولت معرفی نشده و در بیشتر موارد بخش خصوصی و منافع تجاری راوی فرهنگ بوده و مخاطبان جهانی را بهتر از دولت درگیر علایق و جذابیت‌های هند کرده است (Gupta, 2019:1).

به طور کلی در خصوص قدرت نرم هند به ویژه در حوزه فرهنگ می‌توان گفت از یک سو این کشور با برخورداری از جامعه مدنی و بنگاه‌های غیر دولتی تا کنون سهم دولت در تولید، ساماندهی و بهره‌برداری از قابلیت‌های منابع فرهنگی در سطح بین‌المللی تا حدودی اندک بوده است و از طرف دیگر دولت نیز در حوزه دیپلماسی عمومی و ایجاد مراکز دولتی از قبیل تاسیس نهادها و مراکز فرهنگی در گستره محدودی در خارج از کشور عمل کرده است.

۴. رسانه‌ها

امروزه دولت‌ها در سیاست خارجی خود از ابزارهای متفاوتی برای اعمال قدرت نرم بهره می‌گیرند که یکی از مهمترین آنها دیپلماسی رسانه‌ای است. در هزاره سوم، دیپلماسی رسانه‌ای، فن‌آوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات گسترده دیپلماسی و سیاست خارجی را به تحریریه روزنامه‌ها، شبکه‌های اینترنتی، تلویزیون، سینما و رادیوهای جهان کشانده است. این همان عاملی است که در عصر جامعه اطلاعاتی، فضای روابط متقابل دیپلمات‌ها و رسانه‌ها را الزامی ساخته است. فضایی که در آن پیشبرد سیاست خارجی و دیپلماسی بیش از پیش به میزان تاثیرگذاری به تاکتیک‌های خبری و رسانه‌ای وابسته شده است. (بزرگمهری و نعمتی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

رسانه‌ها به خصوص در نظام‌های دموکراتیک و باز به عنوان نگهبانان جامعه مدنی و دموکراسی محسوب می‌شوند و آزادی عمل آنها می‌تواند به انتقال ارزشها و فرهنگ یک جامعه کمک کرده و دولت را از تبلیغات مستقیم و پروپاگاندا بی‌نیاز کند.

در هند بیش از ۱۰۰ هزار روزنامه و مجله ثبت شده و بیش از ۴۰۰ شبکه خبری به زبان‌های مختلف وجود دارد که ۹۰ مورد از آنها به پخش اخبار ۲۴ ساعته مشغولند. همچنین در هند وب سایت‌های آنلاین خبری بی‌شمار و صدها ایستگاه رادیویی وجود دارد و این کشور را به یکی از بزرگترین بازارهای رسانه‌ای در جهان تبدیل کرده است. شبکه تلویزیونی «جمهوری»، که به سرعت محبوب‌ترین کانال انگلیسی زبان این کشور شده است، از حامیان سرسخت نخست وزیر مودی و حزب او است و در طیف دیگر

شبکه ۲۴ ساعته «ان دی تی وی» قرار دارد که تلاش دارد مستقل عمل نماید (Betigeri, 2019). «تایمز هند» یکی از پرتیراژترین روزنامه‌های دنیا و شبه قاره هند می‌باشد که نه تنها پرفروش‌ترین روزنامه هند بلکه کل جهان است و فقط در شهر بمبئی حدود یک میلیون و ششصد هزار خواننده دارد. مالکیت این روزنامه در دست گروه تایمز (تایمز لندن) است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۸).

با وجود گستردگی و تنوع رسانه‌ها در هند، این کشور در میان بیش از ۲۰۰ شبکه خبری و شبکه‌های سنتی انگلیسی زبان در بازار شبکه‌های پرنفوذ خبری بین‌المللی، از جمله شبکه‌های نوظهوری چون «پرس تی وی» ایران و «الجزیره» قطر، شبکه‌های خبری هند جایگاه ویژه‌ای ندارند. شبکه‌های خبری «۱۸ هند»^۳ و شبکه خبری ۲۴ ساعته «ان دی تی وی» هر دو رسانه خبری خصوصی محسوب می‌شوند و شبکه خبری «دوردارشان»^۴ نیز که یک شبکه دولتی است، در بازار شبکه‌های خبری موقعیت خاصی ندارد؛ در حالی که شبکه‌های خبری کشورهای غیر انگلیسی زبان مانند قطر، ژاپن و ایران در این عرصه فعال تر می‌باشند. غیبت رسانه‌های خبری هند را باید به بی رغبتی و ناکارآمدی دستگاه دیپلماسی هند در عصر ارتباطات نسبت داد (Thussu, 2014: 5-6).

مودی در سال ۲۰۱۴ پس از به قدرت رسیدن حزب بهارتیا جانتا گفته بود "من می‌خواهم این دولت مورد انتقاد واقع شود. انتقاد، دموکراسی را قوی می‌کند. دموکراسی نمی‌تواند بدون انتقاد سازنده موفق شود". برنامه‌های مودی و حزب بهارتیا جانتا در سال ۲۰۱۴ بر دو اصول اساسی پیش بینی شده بود: از بین بردن فساد و تقویت و نوسازی دموکراسی. علی‌رغم این ادعا، وضعیت آزادی رسانه‌ها در هند که عنوان بزرگترین دموکراسی دنیا را دارا است، چندان مطلوب نیست و به خصوص از زمان به قدرت رسیدن حزب بهارتیا جانتا به رهبری مودی بدتر شده است. حزب تلاش دارد تا با کنترل رسانه‌ها، برنامه‌های ملی گرایانه مبتنی بر علائق هندوها را تقویت کند. این تلاش فقط به دولت فعلی ختم نمی‌شود. حزب کنگره ملی هند نیز درگیر چنین رفتاری بوده است. در واقع،

1. NDTV24x7
2. The Times of India
3. News 18 India
4. Dourdarshan

بین سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۸، دولت کنگره به رهبری ایندیرا گاندی به طور منظم به سرکوب رسانه‌های منتقد می‌پرداخت (Madan, 2019).

مطابق گزارش سازمان گزارشگران بدون مرز، هند در شاخص آزادی رسانه در سال ۲۰۱۹ در میان ۱۸۰ کشور در جایگاه ۱۴۰ قرار گرفته است. مطابق این گزارش در سال ۲۰۱۸ حد اقل ۶ روزنامه نگار در این کشور در رابطه مستقیم با حرفه روزنامه نگاری یه قتل رسیده‌اند. پوشش رسانه‌ای در مناطقی مانند کشمیر که مقامات دولت آن را حساس می‌دانند، همچنان بسیار دشوار است. خبرنگاران خارجی از دیدار کشمیر منع شده و اینترنت اغلب در آنجا قطع می‌شود. روزنامه نگاران کشمیری که برای رسانه‌های محلی کار می‌کنند، اغلب هدف خشونت افراد شبه نظامی قرار می‌گیرند که این اقدامات با رضایت و سکوت ضمنی دولت مرکزی همراه بوده است (Reporters Without Borders, 2019). در مجموع هند با وجود برخورداری از رسانه‌های متعدد از دیپلماسی رسانه‌ای قوی به خصوص در بخش رسانه‌های خبری برای تاثیرگذاری بر جهان خارج در جهت ارتقای قدرت نرم غافل بوده است. در مقابل بالیوود با بهره‌گیری از ظرفیت مدنی و فرهنگی هند نفوذ زیادی برای هند به ارمغان آورده است.

بدون شک بزرگترین حضور رسانه‌ای هند در عرصه‌های جهانی، سینمای هند یا «بالیوود» است. بالیوود در یک فضای نسبتاً آزاد ارزش‌های هند را به تصویر می‌کشد و نقش ویژه‌ای در شکل‌دهی برداشت مردم جهان نسبت به هند ایفا می‌کند (Christos, 2014: 9-24). مان موهان سینگ نخست‌وزیر وقت هند اظهار کرده بود: «کانون‌های خارجی هند از جمله بالیوود به منزله قدرت نرم هند محسوب می‌شوند». او اضافه کرده بود: «من هر جا می‌روم، از خاورمیانه گرفته تا آفریقا مردم در باره فیلم‌های هندی حرف می‌زنند و این نشان از یک مسیر جدید تاثیرگذار در مردم دنیا در مورد پیشرفت‌های هند دارد (Thussu, 2014: 6-7). نکته بارز در خصوص بالیوود این است که هند نتوانسته است مانند هالیوود در آمریکا از ظرفیت بالیوود برای صدور یک مدل توسعه استفاده کند. در حالی که نای فرهنگ محبوب آمریکایی را مرتبط با قدرت جهانی آمریکا می‌داند، ولی فرهنگ متنوع هند به اندازه کافی در دیپلماسی هند نتوانسته است ابعاد سیاسی به خود

بگیرد. به عنوان مثال، بر خلاف رویکرد هالیوود در طول جنگ سرد، فیلم‌های هندی هرگز به طور واقعی مدل خاص هندی را برای توسعه سیاسی عرضه و تبلیغ نکرده‌اند (Blarel, 2012:30).

۵. قدرت نرم اقتصادی

یک اقتصاد موفق، منبع مهم جذابیت برای دیگران است. «والتر راسل مید» استدلال می‌کند که پروژه موفقیت اقتصادی یک کشور می‌تواند دولت‌ها را متقاعد سازد که نفوذ آن کشور مطلوب، اجتناب ناپذیر و پایدار است. او بر آن است که توان اقتصادی «چسپنده» آست؛ زیرا کشورهایی که سیاست‌ها و نهادهای اقتصادی مشابهی را اتخاذ می‌کنند، رها سازی این سیستم مشکل می‌شود. (الوند وعسکرخانی، ۱۳۹۳:۵). نکته مهم دیگری که نای بر آن انگشت می‌گذارد، «روابط اقتصادی» است که می‌تواند جلوه‌های نرم یا سخت بودن اقتصاد را مشخص کند. نای در عین حال اضافه می‌کند که در عالم واقعی گاهی تشخیص اینکه کدام قسمت روابط اقتصادی، قدرت سخت و کدام قسمت آن قدرت نرم محسوب می‌شود، دشوار می‌نماید (Nye, 2006).

هند در سال ۲۰۱۹ مطابق آخرین گزارش بانک جهانی با تولید ناخالص داخلی ۲,۹۴ تریلیون دلار پنجمین اقتصاد بزرگ دنیا بعد از ایالات متحده، چین، ژاپن و آلمان بوده است. این در حالی است که چین با ۱۴,۱۴ تریلیون دلار اقتصاد دوم جهان بوده است (World Bank, 2019). برای فهم بهتر موقعیت اقتصادی هند، مقایسه آن با چین به عنوان مهمترین رقیب هند لازم به نظر می‌رسد. در سال ۱۹۸۷، تولید ناخالص داخلی (اسمی) هر دو کشور تقریباً برابر بود. اما در سال ۲۰۱۹، میزان تولید ناخالص داخلی چین ۴,۷۸ برابر بیشتر از هند شده است. تولید ناخالص داخلی چین در سال ۱۹۹۸ از یک تریلیون دلار عبور کرد در حالیکه در هند ۹ سال بعد یعنی در سال ۲۰۰۷ این اتفاق رخ داد. ترکیب تولید ناخالص داخلی در هند در سال ۲۰۱۷ به شرح زیر است: کشاورزی (۱۵,۴٪)، صنعت (۲۳٪) و خدمات (۶۱,۵٪). این ترکیب در سال ۲۰۱۷ در چین عبارتند

از: کشوری (۸,۳٪)، ص ————— نعت (۳۹,۵٪) و خدمات (۵۲,۲٪). (Statisticstimes, 2019: 1).

اجماع جدید بین‌المللی پس از جنگ سرد پیرامون دموکراسی، حقوق بشر و رویکرد اصلاحات مبتنی بر اقتصاد بازار جذابیت هند را تقویت کرده است تصویر کلیشه‌ای از هند به عنوان یک کشور توسعه نیافته، فقیر با تصویر هند به مثابه یک کشور مدرن و پویا عوض شده است. موفقیت‌های جهانی اخیر هند در فن آوری اطلاعات، دستاوردهای شرکت‌های چند ملیتی مانند گروه تاتا، مؤسسه مدیریت هند و مؤسسه فناوری هند کمک کرده است تا یک تصویر جدید از هند به عنوان اقتصاد مولد ترسیم شود و تصویر کلیشه‌ای از هند را به عنوان یک کشور فقیر در اذهان حذف نماید. در سال ۲۰۰۵، هند به «صندوق دموکراسی سازمان ملل متحد» پیوست و ۲۵ میلیون دلار کمک مالی به آن کرد و به دومین اهدا کننده بزرگ بعد از ایالات متحده (۳۸ میلیون دلار) تبدیل شد. هند همچنین تصمیم گرفت است تا کمک‌های توسعه‌ای خود را با پروژه‌های ارتقاء دموکراسی گره بزند. به عنوان نمونه هند در افغانستان این سیاست را دنبال کرده است (Blarel, 2012: 31).

هند همچنین دارای یک همکاری فزاینده در علوم پزشکی با کشورهای در حال توسعه از جمله آفریقا و به خصوص در زمینه داروسازی است. داروهای ارزان قیمت و یا مجانی توسط دولت و سازمان‌های غیر دولتی در چارچوب کمک‌های انسان دوستانه در آفریقا ارائه می‌شود. این کارها ذاتاً و به طور طبیعی ابزارهای قدرت نرم هند محسوب می‌شوند (Cheru and Obi, 2010: 46- 49). نکته دیگر اینکه هند با وجود آنکه خود بزرگترین دریافت کننده کمک‌های خارجی بوده به عنوان یک اهدا کننده مطرح شده است و بعد از چین. در میان اهدا کنندگان کشور در حال توسعه قرار دارد. کمک‌های خارجی هند نه تنها از اواخر قرن گذشته ۳ برابر شده است بلکه ۱۰ برابر سریعتر از کمک‌های کشورهای گروه ۷ افزایش یافته است و در وزارت امور خارجه خود برای این منظور یک ساختار اداری بنام «اداره مشارکت توسعه» را بنا کرده است. مهم تر اینکه هند برای کمک‌های

1. Tata Group
2. The Indian Institutes of Management
3. The Indian Institutes of Technology

خود هیچ گونه شرایطی قائل نمی‌شود و کمک‌های آن با نوعی مشروعیت ممزوج شده است. مشروعیتی که پایه قدرت نرم هند را تشکیل می‌دهد.

در حالی که معمولاً قدرت اقتصادی قدرت سخت محسوب می‌شود، ولی توسعه اقتصادی و به خصوص مدل توسعه یک کشور در شرایطی که ثابت شود دستاوردهای آن برای دیگران جذاب است، می‌تواند به عنوان قدرت نرم تعبیر شود؛ چرا که قدرت اقتناع و جذابیت آن برای دولت‌ها و نخبگان دیگر کشورها غیر قابل انکار است. در این زمینه چین و هند به عنوان دو قدرت مهم آینده محسوب می‌شوند که با دو مدل متفاوت توسعه با هم رقابت می‌کنند (Huang and Khanna, 2003). موضوع مهم برای هند این است که چگونه می‌تواند توسعه اقتصادی را با ارزش‌های سیاسی از جمله جامعه مدنی و دموکراسی تلفیق کند تا بتواند الگویی جذاب تر از مدل چین عرضه نماید؟ به نظر می‌رسد مدل هندی توسعه هند در حال حاضر در حال تکوین و تکامل می‌باشد و با افق‌ها و تنگناهای زیادی مواجه است.

۶. افق‌ها و تنگناهای قدرت نرم هند

هند با وجود مشکلات فراوان از جمله، فقر و فساد قدم در راه توسعه اقتصادی گذاشته و این توسعه با تمام ابعاد آن نظرها را به خود جلب کرده است. با این وجود هند در زمینه قدرت نرم علی‌رغم برخورداری از صفت بزرگترین دموکراسی جهان با چالش‌های فراوانی روبرو است که غلبه بر این چالش‌ها می‌تواند به ارتقای قدرت نرم هند در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی کمک نماید.

یکی از مهمترین معضلات هند ناکارآمدی بخش عمومی است. علی‌رغم اینکه بخش عمومی در هند از چین کوچک‌تر است؛ ولی نسبت به آن ناکارآمدتر می‌باشد. حکمرانی ضعیف همراه با نهادهای شکننده باعث شده است تا هند در برآوردن امکانات و دسترسی همگانی به درمانگاه، مدرسه خوب، برق و آب سالم برای همه شهروندان با مشکل مواجه باشد. هند در هزاره سوم با معضلات زیست محیطی حادی دست به گریبان است. در سال ۲۰۱۹ از ۳۰ شهر آلوده جهان ۲۱ شهر متعلق به هند بوده است. براساس جدیدترین گزارش «کیفیت هوای جهان» در سال ۲۰۱۹ هند بار دیگر در صدر لیست

سالانه شهرهایی با بدترین کیفیت هوا در جهان قرار گرفته است، در حالی که شهرهای چین همچنان نسبت به سال گذشته بهبود نشان داده‌اند. براساس داده‌های گردآوری شده در گزارش کیفیت هوای جهانی، از ۱۰ شهر اول آلوده جهان ۶ شهر مربوط به هند بوده است. قاضی آباد، شهر اقماری دهلی نو در سال ۲۰۱۹ به عنوان آلوده‌ترین شهر جهان شناخته شده است (Regan, 2020).

فساد در سطوح مختلف حکمرانی هند یکی دیگر از معضلات است که خشم عمومی را در پی داشته است. مطابق آخرین آمار سازمان شفافیت بین‌المللی، هند به همراه غنا و بورکینافاسو در سال ۲۰۱۸ در شاخص ادراک فساد در رتبه ۷۸ بوده است (Transparency International, 2019: 1). اگرچه از دموکراسی به عنوان مهمترین سرمایه هند یاد می‌شود، ولی در سال‌های اخیر به دلیل رشد سیاست‌های راست‌گرایانه و ملی‌گرایانه به خصوص در دوران حزب حاکم بهاراتیا جاناتا ارزش‌ها و شاخص‌های دموکراتیک روبه کاهش بوده است. در سال‌های اخیر تبعیض نسبت به اقلیت مسلمان نیز روبه فزونی بوده و سرکوب مسلمانان به مشروعیت نظام سیاسی هند لطمه جدی زده است.

اصولا دموکراسی در صورت کارآمدی مؤثر می‌تواند یک منبع قدرت نرم عظیم باشد. اگرچه هند کشوری است که از قدرت نرم قابل توجهی برخوردار است. بزرگترین چالش برای قدرت نرم هند فساد، فقر و مدارای اندک، افزایش تعداد جنایات و نفرت در سالهای اخیر است. این معضلات ضایع‌کننده ارزش‌های دموکراتیک در هند بوده است. وضعیت کشمیر نیز بر قدرت نرم هندوستان تأثیر گذاشته است. مطابق گزارش «خانه آزادی» دموکراسی هند در میان نظام‌های لیبرال دموکراسی از رتبه ۷۰ در سال ۲۰۱۶ به ۸۵ در سال ۲۰۱۹ تنزل یافته و به لحاظ آزادی مطبوعات نیز مطابق رتبه بندی گزارشگران بدون مرز در سال ۲۰۱۹ رتبه هند از ۱۳۴ به ۱۴۰ کاهش یافته است (Shetty and Sahgal, 2019: 20).

اصولا قدرت نرم هند به دو دلیل ضعیف باقی مانده است: اول، دیپلماسی هند تا مدت‌ها از قدرت نرم به عنوان یک ابزار مهم در دیپلماسی خود غافل بود و فقط اخیراً متوجه اهمیت آن شده است. دوم، ارائه قدرت نرم بدون دستاورد های اولیه قدرت سخت

دشوار است. مشکل هند علی رغم پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی این است که حفظ و ارتقای تصویر مثبت بین‌المللی آن مستلزم افزایش کارآمدی و عدالت در نظام سیاسی این کشور است (Blarel, 2012: 31). فقدان زیرساخت‌های فیزیکی کافی و مطلوب، محدودیت‌های مربوط به نظام فدرالیسم، ساختارهای بوروکراتیک عظیم و ناکارآمد و فساد گسترده از موانع گسترش این جذابیت است، کارزار مردمی برای مبارزه با فساد نشان می‌دهد که هند هنوز برای تبدیل شدن به یک الگو و مرجع اقتصادی فراگیر و جامع برای دیگران به اصلاحات ساختاری بسیار بیشتری نیاز دارد

۲۹

به طور خلاصه مهمترین چالش‌های قدرت نرم هند در حال حاضر کاست گرایی، کمونالیسم، منطقه گرایی، فقر و بی کاری، تروریسم، فساد، کار کودکان و خشونت و حمله به زنان، بیسوادی، انفجار جمعیت و نابرابری اقتصادی است. چنانچه هند بتواند بر این مشکلات فایق آید، با توجه به معضلات برخی جوامع آفریقایی و آسیایی که از خشونت‌های قومی رنج می‌برند، می‌تواند با تکیه بر دموکراسی خود، مدلی جذاب تر از آنچه که هست، باشد. ضعف عمده مدل چین در مقایسه با هند، نظام اقتدارگرای آن است که یک مدل جذاب برای قرن بیست و یک از لحاظ سازمان سیاسی نمی‌باشد (Paul, 2016: 161).

در تحلیل نهایی می‌توان گفت: هند دیرتر از رقبای اصلی خود از جمله چین سودای ارتقای قدرت نرم را داشته و اقدامات آن بعضاً در واکنش به پیشرفت‌ها و برنامه‌های چین بوده است. از طرف دیگر، به دلیل مشکلات معطوف به زیرساخت‌های اقتصادی و رفاهی نتوانسته است از تمام ظرفیت‌های سیاسی و فرهنگی خود در راستای ارتقای قدرت نرم بهره برداری کند. به همین جهت هند برای افزایش سطح جذابیت بین‌المللی خود نیاز به ارائه تصویر و روایت بهتری از خود دارد. هند اگرچه بالقوه دارای قابلیت‌های قدرت نرم زیادی است، ولی نیازمند برقراری تناسب بیشتر میان قدرت سخت و نرم می‌باشد. بنابراین ناگزیر است، از قدرت نرم خود به شیوه‌ای منظم تر و برنامه ریزی شده تر استفاده کند، اما این فرآیند نیاز به زمان خواهد داشت. برای اینکه هند به یک مرجع جهانی قدرت نرم تبدیل شود، نیازمند استمرار در رشد و توسعه اقتصادی از یک سو و اصلاحات گسترده ساختاری در راستای ارتقای حاکمیت خوب از سوی دیگر است.



نتیجه‌گیری

قدرت نرم هند در پرتو موفقیت‌ها و دستاوردهای با اهمیت اقتصادی بیشتر از گذشته مورد توجه جهانیان قرار گرفته است. دولت هند در مقایسه با رقبای اصلی به خصوص چین با تاخیر بیشتری متوجه اهمیت قدرت نرم در دیپلماسی خود گشته و بخش زیادی از استراتژی سیاست خارجی هند به خصوص در حیطه قدرت نرم تحت تاثیر رقابت با چین رقم خورده است. اگرچه دموکراسی هند به عنوان مهمترین وجه تمایز این کشور می‌تواند الگوی هندی توسعه را متمایز و برجسته نماید، ولی هند با وجود فقر و مشکلات زیرساختی نتوانسته است از این ظرفیت برای ارتقای قدرت نرم خود، حد اکثر استفاده را نماید.

بخش اعظم قدرت نرم هند بیرون از حیطه دولت و در اختیار جامعه مدنی و بخش خصوصی است. با وجود همه فرصت‌ها، هند در ارائه قدرت نرم خود با چالش‌ها و تنگنای متعددی نیز روبرو است که مهمترین آن تلفیق قدرت اقتصادی با ارزش‌های سیاسی و فرهنگی و تبدیل آن به عنوان الگوی جذاب توسعه می‌باشد. وجود فقر، فساد، بروکراسی گسترده، بخش عمومی غالباً ناکارآمد، معضلات فرهنگی، کمبود امکانات رفاهی اولیه نظیر بهداشت و آموزش، مشکلات مربوط به خصوصی سازی و همچنین مسائل مربوط به فدرالیسم باعث گردیده تا الگوی هندی توسعه با وجود برخورداری از عنوان بزرگترین دموکراسی دنیا کمتر مورد توجه باشد. به نظر می‌رسد آنچه فاصله هند را در قدرت نرم به ویژه ارائه مدل جذاب توسعه از مهمترین رقیب خود یعنی چین معنادار نموده، قدرت اقتصادی بیشتر چین و صرف هزینه‌های هنگفت آن کشور جهت ارتقای قدرت نرم بوده است. اگر هند بتواند بر مشکلات ساختاری خود فایق آید و همچنان با رشد اقتصادی بالا بر قدرت اقتصادی خود بیفزاید و آن را هوشمندانه با جامعه مدنی و دموکراسی خود تلفیق نماید، با توجه به روند ادغام در نظام جهانی و حساسیت کمتر غرب، قدرت نرم آن افزایش چشمگیری خواهد یافت.

منابع

آقایی، سید داود و حسینی، محمود. (۱۳۹۱). «چشم انداز قدرت نرم هند؛ چالشها و فرصتها»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان. الوند، مرضیه السادات و عسکر خانی، ابوالمحمد. (۱۳۹۳). «کارویژه‌های قدرت نرم در سیاست خارجی چین»، *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، سال سوم، شماره ۱، پاییز و زمستان.

بزرگمهری، مجید و نعمتی، فاطمه. (۱۳۹۰). «تاثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر سیاست خارجی: تبیین راهکارها»، *نشریه علوم سیاسی*، دوره ۷، شماره ۷، زمستان.

خانی، محمد حسن. (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، *دانش سیاسی*، شماره ۲.

دلیرپور، پرویز. (۱۳۹۱). «روال قدرت نرم ایالات متحده آمریکا»، *دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم*، سال دوم، شماره ۷.

مجاهدی، نوریا. (۱۳۸۶). *نافرمانی مدنی از دیدگاه حقوق بشر*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

خبرگزاری مهر. (۱۳۹۸). «راز موفقیت روزنامه تایمز هند چیست؟»، (۵ مرداد ۱۳۹۸)، تاریخ استخراج: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳ <https://www.mehrnews.com/news/4677000>

نای، جوزف. (۱۳۸۹). *قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

Agnieszka, Nitza-Makowska. (2016). "The role of political parties in building democracy in India and Pakistan. A party-oriented approach towards democratisation processes", **Institute of International Relations and Sustainable Development Collegium Civitas**, Warsaw, Poland.

Betigeri, Aarti. (2019). "The bad news for press freedom in India", At: <https://www.lowyinstitute.org/the-interpreter/bad-news-press-freedom-india> (Accessed on: 11/7/2019).

Blarel, Nicolas. (2012). "India: the next superpower?: India's soft power: from potential to reality?", **IDEAS Reports**, SR010. LSE IDEAS, School of Economics and Political Science, London, UK.

- Borkakoti, Jitendralal. (2016). "Democratic Deficits in Indian Political System", **Borkakoti. Space and Culture**, India, No 3.
- Cheru, Fantu and Obi, Cyril. (2010). **The Rise of China and India in Africa, Challenges and Opottunities and Critical International**, Zed Book, London.
- Chitalkar and Malone (2011). "Democracy, Politics and Indian's Foreign Policy", **Canadaian Foreign Policy Journal**, Volume 17, Issue
- Christos, Agallos Loannis. (2014). "Film Clusters: the Case Study of Bollywood and its Contribution in Indian Economy", Department Of Economics, Unversity of Thessaly.
- Digmandarin. (2020). Confucius Institutes Around the World – 2020, <https://www.digmandarin.com/confucius-institutes-around-the-world.html>(12/4/2020).
- Election Commission of India. (2019). "List of Political Parties", [https://eci.gov.in/\(20/26/2019\)](https://eci.gov.in/(20/26/2019)).
- Friedman, Joseph. (2008). "Mahatma Gandhi's Vision for the Future of India: The Role of Enlightened Anarchy", **Penn History Review**, Vol 16, Fall.
- Gallarotti, Giulio M. (2011). "Soft Power: What it is, Why it's Important, and the Conditions Under Which it Can Be Effectively Used". **Division II Faculty Publications**. 57.
- Gupta, Shagun. (2019). **India's soft power: empowering people to share their 'Incredible Indian story**, King College, London.
- Huang, Yasheng and Khanna Tarun. (2003). "Can India Overtake China?", available at: <http://foreignpolicy.com/2003/07/01/can-india-overtake-china/>, (Accessed on: 3 1/1/ 2017)
- India Cultural Center. (2020). "Indai cultural Center in Johannesburg, Available at: <http://www.iccr.gov.in/>, (Accessed 22/5/2020).
- Jaishankar, Dhruva. (2018). "India rising: Soft power and the world's largest democracy", <https://www.brookings.edu/opinions/india-rising-soft-power-and-the-worlds-largest-democracy> (Accessed on 12,3,2019).
- Kugiel, Patryk. (2012). India's Soft Power in South Asia, **International Studies**, 49(3-4):351-376.
- Lee, John. (2010). "Unrealised Potential: India's 'Soft Power", **Ambition in Asia**", **Executive Summary**, No 4.
- Li, Xin and Worn, Werner. (2009). "Mulding Soft Power for Peaceful Rise", **Asia Research Center**, denmark, CBS. Copenhagen.

- Madan Aman. (2019). "India's Not-So-Free Media", At: <https://thediplomat.com/2019/01/indias-not-so-free-media/>(Accessed on 11/6/2019).
- Mazumdar, Arijit. (2014). "Democracy Promotion in India's Foreign Policy: Eerging Trends and Developments", **WPSA Annual Meeting**, Seatel, Washington, April 17-19, 2014.
- MGPE. (2018). Civil Society, **Political Regimes and Conflict** , GPH Publications.
- Misar, Satish. (2016). "Regional parties and Indian politics", **Observer Research Foundation** (ORF).
- Mullen, Rani. (2012). "The Rise of India's Soft Power", At: on <https://foreignpolicy.com/2012/05/08/the-rise-of-indias-soft-power/>(Accessed on:15/7/2018).
- Nye Jr., Joseph S. (2004). **Soft Power: The Means to Success in World Politics**, New York: Public Affairs.
- Nye, Joseoh S. (2006). "Think Again: Soft Power", foreignpolicy, <http://foreignpolicy.com/2006/02/23/think-again-soft-power/>, Accessed on February 23, 2006(Accessed on: 3/11/2018).
- Nye, Joseph S. (2013). "What China and Russia Don't Get About Soft ?Power", at: foreignpolicy.com/2013/04/29/what-china-and-russia-dont-get-about-soft-power/ (Accessed on:13/2/2019).
- Pathak, Sunmit. (2008). "Gandhi and Civil Society", **The Indian Journal of Political Science**, Vol. 69, No. 2.
- Paul, T.V. (2016). **Indian Soft Power in a Globalizing World**, Current history (New York), 113(762).
- Ramchandra, Sudha .(2015). " India's Soft Power Potential", At: <https://thediplomat.com/2015/05/indias-soft-power-potential/> (Accessed on: 12/8/2019).
- Reporters Without Borders. (2019). "2019 World Press Index", <https://rsf.org>.
- Regan, Helen. (2020). 21 of the world's 30 cities with the worst air pollution are in India. <https://edition.cnn.com/2020/02/25/health/most-polluted-cities-india-pakistan-intl-hnk/index.html>, (Accessed on 12/6/2020).
- Rimanelli, Marco. (1999). **Comparative Democratization and Peaceful Change in Single- Party-Dominant Countries**, palgrave.
- Ruud Engelsen Arild and Heierstad, Geir. (2016). **India's democracies, Diversity, Co-optation, Resistance**, published by Universitetsforlaget .
- Shubhangi, R. (2019). "Political Sytem in India", At: <http://www.politicalsciencenotes.com/political-system/political-system-in-india/874>(Accessed on; 20/1//2020).

- Shetty, Salil and Sahgal, Tara. (2019). "India's Soft Power: Challenges and Opportunities", **Rajiv Gandhi Institute for Contemporary Studies**.
- Statisticstimes. (2019). "Comparing China and India by Economy", At: <http://statisticstimes.com/economy/china-vs-india-economy.php>
- Suri, K.C.& Elliott, Carolyn & Hundt, David. (2016). "Democracy, Governance and Political Parties in India: An Introduction", **Studies in Indian Politics**, 4(1) 1-7
- The Economic Times. (2019). "India now has 2,293 political parties", 149 registered between February & March", At: <https://economictimes.indiatimes.com/news/elections/lok-sabha/india/india-now-has-2293-political-parties-149-registered-between-february-march/articleshow/68451605.cms?from=mdr>
- Thussu, Daya. (2014). "Asia Soft power in Africa", China plus Indi, International conference China and Africa Media, Communications and Public Diplomacy, Beijing, 10-11 september 2014.
- Transparency International. (2019). Corruption Perceptions Index 2018, <https://www.transparency.org/cpi2018>.
- Ullah, Chaudhry Saeed (2015), "China's Soft Power Chang the World", **Perception**, Praestantia per Scientiam.
- Wagner, Christian. (2005). From Hard Power to Soft Power?. Heidelberg Papers in South Asian and Comparative Politics, South Asia Institute Department of Political Science University of Heidelberg.
- Whipps, Heather. (2008). "How Gandhi Changed the World", at: <https://www.livescience.com/2851-gandhi-changed-world.html> (Accessed on 13/12/2018).
- Wijayabahu, Kulani. (2014). "Strengthens and Challenges for Utilising India Soft Power: A Coparitive Study With United States of America", **International Journal of Scientific and Research Publications**, Volume 4, Issue 12, December.
- World Bank. (2019). World Bank national accounts data, and OECD National Accounts data files.